

نامه فارسی یهودی دندان اویلیق ۲

نیما آصفی^۱

ابراهیم شفیعی^۲ ✉

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۴

چکیده

در این پژوهش به ترجمه و بررسی نامه‌های فارسی یهودی به نام دندان اویلیق ۲ (با شکل کوتاه DU II) پرداخته شده است. این نامه احتمالاً از سده ۳ هجری (۹ میلادی) است و افزون بر اهمیت درونمایه، برخی ویژگی‌های زبانی بسیار مهمی دارد که در متون فارسی نوشته شده به خط عربی عموماً یافت نمی‌شود. از جمله این ویژگی‌ها استفاده از حرف ربط kū و ساخت التزامی کهن (دوره میانه زبان فارسی) است. در مقاله حاضر، این نامه ترجمه و ویژگی‌های زبانی کهن آن تماماً بررسی شده و با ویژگی‌های متون فارسی کهن (به خط فارسی - عربی) و برخی ترجمه‌های کهن قرآنی (به ویژه قرآن قدس) سنجیده شده است. ویژگی‌های مذکور نشان‌دهنده مرحله تحول زبان از فارسی میانه به فارسی نو (فارسی دری) است. ترجمه این پژوهش تفاوت‌های بسیاری با ترجمه پیشین به انگلیسی و چینی دارد و این ناشی از تفاوت در درک صرفی و دستوری ما از واژه‌ها و ساختار متن است.

واژگان کلیدی: فارسی یهودی، فارسی میانه، فارسی نو، دندان اویلیق

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) ✉ i.shafiee@ut.ac.ir

۱- مقدمه

دندان اوپلیق نام یک آبادی تاریخی در بیابان تکلهمکان در شمال غربی چین است^(۱) که از گذشته‌های دور آثار تاریخی بسیاری همراه با نوشته‌هایی از زبان‌های گوناگون در آن یافت شده‌است. کاوشگر سوئدی، سون آندرس هدین^۱ با گذر از دندان اوپلیق در ۱۸۹۶م، نخستین گزارش و گمانه‌زنی را از تاریخی بودن آن آبادی ارائه کرد؛ با این همه، نخستین کاوش گسترده را در این بخش سر مارک اورل استاین^۲، باستان‌شناس و سیاح مجاری-انگلیسی در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۱م کرد که یافته‌های بسیاری به همراه داشت.

اگرچه این آبادی، بودایی شناخته شده و حتی ترجمه‌ای ختنی از متن سنسکریت *prajñāpāramitā* مربوط به شاخه مه‌ایانه بودایی نیز در آن یافت شده‌است اما گروه‌های دیگری نیز مانند یهودیان از گذشته در این مناطق زندگی می‌کرده‌اند.

یکی از برجسته‌ترین آثار یافت‌شده از یهودیان در بیابان قراقروم و در بخش گیچی، سنگ‌نوشته‌ای به زبان عبری در کنار سنگ‌نوشته‌های دیگر براهمی و چند سنگ‌نوشته سغدی است. همچنین در غار ۱۷ از غارهای موگائو، مشهور به «هزار بودا» در دون هوان کاغذی در بردارنده متن بخشایش (سلیحا) یافت شده‌است. این شواهد تأیید حضور دیرینه یهودیان در این بخش هستند (هانسن، ۲۰۱۲: ۲۱۸).

دانشمندان حضور یهودیان در چین را به دو دوره زمانی؛ پیش و پس از سال ۱۸۴۰م تقسیم کرده‌اند. اگرچه آغاز حضور یهودیان در سرزمین چین به روشنی آشکار نیست اما نخستین گواهی این حضور را باید نامه دندان اوپلیق دانست که برابر فرمانروایی دودمان تانگ (از ۶۱۸ تا ۹۰۷م) در ختن یافت شده‌است (شین، ۲۰۱۰: ۱۳۲) و روشن می‌کند که چه‌بسا آیین یهودی را یهودیان ایران (یهودیان پارسی‌زبان) به سرزمین چین برده‌اند.

یکی از شناخته‌شده‌ترین جوامع یهودی چینی، یهودیان کایفن در استان هنان در شرق چین امروزی است. اگرچه هنوز به درستی خاستگاه ایشان روشن نیست و گواهی‌ها برای سخن پایانی درباره ایشان نابسند است اما نشانه‌های بسیاری گویای تأثیر سنت‌های ایرانی و زبان فارسی بر ایشان است؛ یکی از کهن‌ترین این نشانه‌ها کاربرد واژه *wū sī dá* برگرفته از واژه فارسی *استاد* (احتمالاً به معنی ربی یا ملّا) در نسخه نخست از یادمان سنگی کنیسه کایفن از سال ۱۴۸۹م است^(۲) که در نسخه ۱۶۶۳م برابر چینی *zhǎng jiào* به جای آن به

1. Sven Anders Hedin (1865 – 1952)

2. Sir Marc Aurel Stein (1862 Hungary - 1943 Kabul)

کار رفته‌است (وخلر، ۲۰۰۶: ۳۸۵). از دیگر شواهد وجود برخی نسخه‌های کتاب‌های مقدس یهودی با واژه‌های فارسی و یا شیوه نگارش یهودیان ایرانی است. همچنین در کتاب‌هایی مانند سیدور (نمازنامه یهودیان) به برخی ویژگی‌ها در برگزاری آیین‌ها اشاره شده‌است که نشان‌دهنده سنت ایرانی در برگزاری آن است (لزلی، ۲۰۱۰). در ادامه این شواهد می‌توان به دستوره‌های خوانش هگادا در برگزاری آیین پسخ اشاره کرد. در دو نسخه یافت شده در کایفن، این دستورها به فارسی یهودی هستند و نشان می‌دهند که برگزارکنندگان مراسم، فارسی می‌دانسته‌اند (وانگ و یاشارپور، ۲۰۱۱: ۵۷).

از دیگر شواهد حضور یهودیان ایرانی‌زبان در آن منطقه نامه دندان اویلیق ۲ است. این نامه در سال ۲۰۰۴ در چین پیدا شد و ژن ژان^۱ و گوان شی^۲ آن را منتشر کردند. این اثر بر روی کاغذی به درازای ۴۰ و پهنای ۲۸ سانتی‌متر در ۳۸ سطر و با دوات نوشته شده‌است. اشاره به شکست خوردن تبتیان از اویغورها در این نامه و سنجش آن با برخی نامه‌های ختنی که درباره این برخورد گزارش‌هایی داده‌اند، نشان می‌دهد که این نامه باید دست‌کم پس از ۸۰۲ میلادی نوشته شده باشد (هانسن، ۲۰۱۲: ۲۱۸). گفتنی است که ویژگی‌های زبانی این نامه نشان می‌دهد که باید آن را از دسته متون فارسی‌یهودی متقدم^۳ به شمار آورد (شاکد، ۲۰۰۹: ۴۵۱).

آن‌گونه که حبیب برجیان (۲۰۱۵: ۲۴۱) نشان داده‌است می‌توان چند نامه مهم فارسی یهودی کهن را این‌گونه در کنار هم از نظر قدمت تاریخی طبقه‌بندی کرد:

نام اثر	تاریخ اثر	محل کتابت
دندان اویلیق یک	سده ۸ میلادی	ختن چین
دندان اویلیق دو	سده ۹ میلادی	ختن چین
اسناد قانونی قرائیم	۹۵۱ میلادی	-
سند حقوقی اهواز	۱۰۲۱ میلادی	خوزستان ایران

۲- پیشینه پژوهش

برخلاف دندان اویلیق ۱ که از زمان کشف (۱۹۰۱م)، کارهای بسیاری بر روی آن انجام گرفته^۳، متن دندان اویلیق ۲ را تنها ژن ژان و گوان شی به‌طور ویژه بررسی و به چینی چاپ کرده‌اند:

1. Zhang, Zhan
2. Shi, Guāng
3. Early Judaeo-Persian (EJP)

张湛、时光:《一件新发现犹太波斯语信札的断代与释读》,载《敦煌吐鲁番研究》第 11 卷,上海:上海古籍出版社,2009 年 9 月,第 71—100 页

این کار مفصل‌ترین نوشته دربارهٔ دندان اویلیق ۲ است و دربردارندهٔ پیشینهٔ تاریخی، توضیحات زبانی، حرف‌نویسی، آوانویسی، یادداشت و منابع است. پس از این کار، توجه به این نامه افزایش یافت و برخی دانشمندان دربارهٔ این نامه و برخی موضوعات آن مطالبی نوشتند اما هیچ‌یک مستقلاً مرتبط با این نامه نیست بلکه ضمن پژوهش‌های دیگر بخش‌هایی از این نامه را نیز بررسی کرده‌اند. در این میان، باید به اثر ارزشمند لودویگ پاول با نام *A Grammar of Early Judaeo-Persian* اشاره کرد که در ۲۰۱۳ منتشر شد و طی آن بخش‌های زیادی از نامه بررسی و ترجمه شده‌است. در سال ۲۰۱۶ ژن ژان در مقاله‌ای دیگر برای نخستین‌بار ترجمهٔ کامل نامه را به زبان انگلیسی (بدون یادداشت) به دست داد:

Zhang, Zhan (2016) *The Silk Road: A New History with Documents*. In V. Hansen (Ed.), *The Silk Road: A New History with Documents* (pp. 381-382). Oxford University Press.

یک سال پس از این کار، یوتاکا یوشیدا در یک مقاله با بررسی برخی واژه‌های دندان اویلیق ۱ و ارائهٔ چند پیشنهاد تازه، پیشنهادهایی دربارهٔ دندان اویلیق ۲ ارائه داد و همان ترجمهٔ چینی ژان-شی را در اثر ژاپنی خود آورد:

吉田豊「コータンのユダヤ・ソグド商人？」
土肥義和・氣賀澤保規編『敦煌・吐魯番文書
の世界とその時代』査読あり東京：東洋文庫 2017/3, pp. 263-285.

مقاله حاضر تفاوت‌های بسیاری با ترجمه‌های پیشین به انگلیسی، چینی و دیگر زبان‌ها دارد. این تفاوت‌ها ناشی از درک صرفی و دستوری ما از متن است و در بخش یادداشت‌ها تمامی این اختلاف نظرها یک‌به‌یک با نظرهای دیگر پژوهشگران سنجیده و شرح داده می‌شود.

۳- حرف‌نویسی (شمارهٔ روی واژه‌ها مطابق شمارهٔ یادداشت‌هاست).

1. pnn'm zydz kwđh¹ y qrbqr sd hzr šlm² by kwđh rb nysy cyl'g by 'zrmy
2. 'bw šhq by gr'my br'dr šw'prdr by yčhq w by mwšq w by hrwn by
3. k'sq by kwħrq³ kwđynq by ħmgyn⁴ mrdwm'n yš m'⁵ bzwrg w qwdq 'z mn
4. rbyy⁶ drwd w drwsty 'ghy yš mr' nbyswm qw mn w ħqym w pyr⁷ w mmzyr šbly
- 5 drwst w nyyqwm⁸ w mrdmq'n⁹ 'y k'nħ p' nyrw zydz kwđh t' ymrwz¹⁰ . ps 'z yn
6. 'ghnwm by br'd šw'prdr qw nwrby 'ndr kwtn 'md w n'mh yšm' 'wrd w yptwm
7. w br kwndwm¹¹ 'n y nbyšt bwdy¹² ħmgyn¹³ qw yš m' p' tn 'y kyš¹⁴ drwst w nyyq

8. h̄yd m' 'z dwr skt š'd b'šym w sb's d'ry qwnym 'pyš¹⁵ yzyd kwđh
- 9 w ps tw 'gh b'š qw m' gwspnd 'yptwm 'z dyhg'n skt 'zdyhh̄ h̄dyh 'y
10. prmwdy bwdym yš r'st¹⁶ cwn¹⁷ tyb 'ndr bwrđwm h̄mndr zm'n tyb p'n¹⁸
11. by qr dyd¹⁹ w mr cykšy²⁰ r'²¹ prmwđ qw zwd gwspnd yn swgdy by dyh̄
12. w cykšy w 'n bd pywstn by dyhg'n kyšm qrypt²² w cyz skwn 'y bd mrdwm
13. n' grypt chr mrd d'd šbly w h̄qym w dw gwl'm rptn²³ p' qwh̄
14. šš my mh̄ p' dh̄ sgd²⁴ dyhg'n r' yqy²⁵ gwlyq²⁶ w yq qpyz²⁷ qbr w pnc šg²⁸
15. dwgbyk w yq šg dmyr w yq styr²⁹ bwy 'y cyny h̄(dy)h 'z mr syky r' yqy
16. prny'n w yqy šmsy³⁰ h̄dyh̄ cy nyyq qrdyd syky (cy)k'šy 'y dwktr 'y dyhg'n r'
17. ...ryq qr' q n'm h̄st yqy prny'n w dw gnd w dw lymcw h̄dyh̄ yq pnkw'n³¹
18. 'y br gwspnd myh̄tr' yqy lyqyn w yqy gnd yqy lymcw h̄dyh̄ dw mrd
19. r' qw sr šmr 'y gwspnd myh̄tr bwdn yq yq lyqyn w yq yq gnd wd lymc(w)
20. h̄dyh̄ šb'n'n r' bgdw w gnd w lymcw h̄dyh̄ w šdn p' qwh̄ by nwz gwspnd
21. by dyst m' n' rsyd w p̄dyrptn qw gwspnd skt nyyq dyh̄ym w p' n' mh̄
22. nbyšt bwdy qw nyz p̄šyz kwstn p' gwspnd w n' d'dwm w n' nyyq qrdy³²
23. 'g(r) yn n' mh̄ by šm' rs'd³³ w dwktr 'y dyhg'n by rwn n' mdh̄ b'd³⁴
24. ... (c)nd p̄šyz kw' (h̄)... (p)' gwspnd 'š by prmy d'dn w b' wy byrwn 'yy³⁵
25. ... cyšm w rwsny'³⁶ h̄m yn dwktr h̄st dyhg'n r' w skt sb's qwn
26. ... r sb's 'y wr' qwny cyz gwm n' bwd³⁷ mn skt bysy' r' n' mh̄ prystwm
27. ... šm' ps n' d'nwm qw by šm' n' rsd (p)... (c) my m' p' hzd h̄ sgd
28. šbly 'ndr 'md p' byst w pnc sgd dw qynq'k³⁸ dyhg'n nzdyq 'y
29. dwktr prystyd mn p' dyst 'y hm 'n qynq'k syh n' mh̄ prystydwm
30. by šm' hr cy 'ghy 'y šhr w ny q'šgr bwd h̄mgyn nbyšt bwdwm 'ghy 'y
31. (q)'šgr yn h̄st qw twpyty'n r' p'q by qwštn w bgdw bstn w sb'pwšy šwd
32. ... q'šgr 'b' p' sd mrd cy sw'r w cy py'dh̄ w sbs 'y sb'pwšy {hb}
33. ... nb'šy h̄rb r' w sl'm w kzym r' bysp'n prystyd w mn h̄rb r' cyz
34. d'dwm p' m'yh̄ 'y sd ptqw³⁹ p̄šyz wndrz qr dydwm 'z swy 'y dwyd r'
35. psr 'y nysy⁴⁰ w kh̄r z'dh̄ yš m' r' h̄m h̄rb r' wsl'm w kwz'm r'⁴¹ qw
36. ... 'gr 'mdh̄ b'd p' q'šgr hr cnd kwzynh̄⁴² kw'h̄nd cyz b'z m'
37. m' d'ryd⁴³ by⁴⁴ ydwn šnydwm qw h̄m dwyd w h̄m
38. kw'hr z'dh̄

۴- آوانویسی

1. pannām īziđ xudāh i kirbakar sađ hazār šəlāmā bē xudāh rab Nīsī Čīlāg bē āzarmī
2. Abū Sahak, bē garāmī brādar Šawāpardar, bē Ishāq u bē Mōšak, u bē Harūn, bē
3. Xāšak, bē x'āharak Xuđēnak, bē hamagēn mardōmān i išmā buzurg u kōđak az man,
4. rabī-ē, drōđ u drustī. āgāhī i išma rā nibēsum kū: man u hakīm u pairu u mamzēr Šablī
5. drust u nēkum. u mardōmakān i xāna pa nērō īziđ xudāh tā imrōz. pas az ēn,

6. āgāhānum bē brād Šawāpardar kū: Nūrbak andar Xutan āmaδ, u nāma i išmā āwurd u yāftum.
7. u bar x^wāndum ān i nibišt būdē hamagēn kū išmā pa tan i xēš drust u nek
8. hēδ. mā az dūr saxt šād bāšēm. u sibāsdārī kunēm o pēš iziδ xudāh.
9. u pas tō āgāh bāš kū: mā gōspand ayāftum az dihgān saxt āzādīhā. hidya i
10. farmūdē būdēm iš rāst. čūn tīb andar burdum. hamandar zamān tīb pa ān
11. by gardid, u mar *cyk 'šy* rā farmūd kū: “zūd gōspand ēn suyđī bi dih!”
12. u *cykšy* u ān baδ payvastan. bē dihgān xēšm girift u čiz saxwan i baδ mardōm
13. na girift. čahār *mrnd* dād: Šablī u hakīm u dō xulām raftan pa kūh
14. šašumī māh pa dah sayd. dihgān rā yakē yulīk u yak kafiz kabar u pañ šag
15. *dwgbyk* u yak šag dambīr u yak satēr būy i čīnī hidya. az mar *syky* rā yakē
16. parniyān u yakē šamsī hidya. čē nek kardēδ! *syky cyk 'šy* i duxtar i dihgān rā
17. (kū...) *ryq qr 'q* nām hast yakē parniyān u dō gand u dō *lymcw* hidya. yak pānxwān
18. i bar gōspand mihtar rā yakē *lyqyn* u yakē gand yakē *lymcw* hidya. dō *mrnd*
19. rā kū sar šumār i gōspand mihtar būdan yak yak *lyqyn* u yak yak gand u dō *lymcw*
20. hidya. šubānān rā *bgdw* u gand u *lymcw* hidya. u šudan pa kōh, bē nūz gōspand
21. bē dist mā na rasīδ. u-paδiriftan kū: “gōspand saxt nek dahēm.” u pa nāma
22. nibišt būdē kū: “nīz pašīz x^wāstan pa gōspand ,u na dādum. “u na nek kardē.
23. agar ēn nāma bē išmā rasāδ, u-duxtar i dihgān bērūn nāmaδa bād,
24. (har) čand pašīz x^wā(hāδ p)a gōspand aš bi farmāy dādan. u bā way bērūn āyē.
25. čišm u rōšnyā(y)ī ham ēn duxtar hast dihgān rā. u saxt sib/βās kun.
26. (aga)r sibās ē wa(y) rā kunē, čiz gum na buwaδ. man saxt bisyār nāma frēstum
27. (bē) išmā. pas na dānum kū bē išmā na rasaδ. (pa pan)jumī mā pa haždah sayd,
28. Šablī andar āmaδ. pa bīst u pañ sayd, dō *qynq 'k* dihgān nazdik i
29. duxtar frēstīδ. man pa dist i ham ān *qynq 'k* sīh nāma frīstīδum
30. bē išmā. har čī āgāhī i šahr u nē Kāšyar būδ hamagēn nibišt buδum. āgāhī i
31. Kāšyar ēn hast kū: tūpityān rā pāk bi kuštan u *bgdw* bastan. u sibāpuši šud
32. (pa) Kāšyar abā pasaδ *mrnd* čē savār u čē piyāda. u sipas i sibāpuši
33. ... *nb 'šy* harb rā u salām u xazīm rā bayaspān frīstīδ. u man harb rā čiz
34. dādum pa māya i sad pitkū pašīz. u andarz kardīdum az sōy i Dāvīd rā
35. pisar i Nīsī u xahar zāda i išmā rā, ham harb rā u salām u xuzām rā, kū:
36. agar āmaδa bād pa Kāšyar, har čand xuzēna x^wāhānd, čiz bāz ma
37. ma dārēδ. bē ēdūn šinīdum kū ham Dāvīd u ham
38. x^wāhar zāda

۵- ترجمه (۴)

۱. به نام ایزد خدای کرفه‌گر صد هزار درود به خدای رب نیسی چیلگ، به ابوسحک ۲. محترم،
به گرامی برادر شوایر در به اسحاق و به موشک و به هارون به ۳. خشک به خواهرک خودینک

به همه مردمان شما بزرگ و کودک از من ۴. ای ربای درود و درستی، برای آگاهی شما می‌نویسم که من و حکیم و پیرو و ممزیر شبلی ۵. درست و نیک هستیم و مردمکان (خدمتکاران؟) خانه به نیروی ایزد خدای تا امروز. پس از این ۶. آگاه کنم برادر شوپردر را که نوربک اندر ختن آمد نامه شما را آورد و [آن را] دریافت کردم ۷. و برخواندم همگی آنچه را که نوشته بودی که شما به تن خویش درست و نیک ۸. هستید ما از دور سخت شاد باشیم و سپاسداری کنیم پیش ایزد خدای ۹. و تو آگاه باش که ما گوسپند دریافت کردیم از دهقان با سپاس بسیار، هدیه‌ای ۱۰. که فرمودی آن را راست بودیم (درست به همان ترتیب عمل کردیم - به درستی آن را پایبند بودیم) هنگامی که نزد تیب بردم، همان زمان تیب به سبب آن [هدیه احوالش] ۱۱. دگرگون گردید (تیب با آن هدیه راضی گردید) و چیکاشی را فرمود زود گوسفند این سغدی بده. ۱۲. چیکاشی بدگویی کرد^(۵) اما دهقان خشمگین شد و چیزی از سخن بد مردم ۱۳. نپذیرفت چهار مرد^(۶) داد شبلی و حکیم و دو غلام به کوه ۱۴. رفتند ششمین ماه روز دهم. هدیه برای دهقان یکی گلدان، یک قفیز کبر و پنج پیمانۀ چینی ۱۵. دو گبیخ، یک پیمانۀ چینی دمبیر، یک ستیر بوی (عطر) چینی. هدیه برای سیکی یکی پرنیان ۱۶. و یکی شمسی. چه نیک کردید (چه نیک هدایایی ساختید و پرداختید). هدیه برای سیک چیکاشی دختر دهقان که ۱۷. ryq qr'q نام است یکی پرنیان و دو قند و دو لیمچو. هدیه برای یک پنخوان (دستیار) که ۱۸. مهتر گوسپندان [است] یکی لیقین و یکی قند و یکی لیمچو. هدیه برای دو سرباز ۱۹. که مهتر سرشماران گوسفند بودند هر یک را یک لیقین و یک قند و دو لیمچو ۲۰. هدیه برای شبانان بگدو و قند و لیمچو. رفتند به کوه اما هنوز گوسفند ۲۱. به دست ما نرسیده است و پذیرفتند که "گوسفند بسیار نیک دهیم" و در نامه ۲۲. نوشته بودی که "دوباره برای گوسفند پیشیز خواستند و ندادم" و نیک نکردی ۲۳. اگر این نامه به شما برسد و دختر دهقان بیرون نیامده باشد (کنار نیامده باشد - توافق نکرده باشد) ۲۴. هر چند پیشیزی که برای گوسفند بخواهد پس او را بفرمای دادن (فرمان بده به او بدهند) و با وی کنار بیا (توافق کن) ۲۵. ... چشم و روشنایی، همین دختر است دهقان را (چشم و روشنایی دهقان همین دختر است) و سخت سپاس کن ۲۶. ... [اگر] وی را سپاسی کنی چیزی گم نشود (چیزی ضایع نشود / از دست نرود). من بسیار زیاد نامه فرستم ۲۷. ... [به] شما اما نمی‌دانم که به شما می‌رسد [یا نه] در ماه پنجم روز هجدهم ۲۸. شبلی اندر آمد. در روز بیست و پنجم دهقان دو کنیزک نزد ۲۹. دختر فرستاد. من به دست همان کنیزک سی

نامه فرستادم. ۳۰. به شما، هرچه آگاهی درباره شهرها بود نیشتم به جز کاشغر. آگاهی درباره ۳۱. کاشغر این هست که تبتیان را جملگی بکشته‌اند و bgdw بستند و سباپوشی ۳۲. رفت به کاشغر با پانصد مرد سوار و پیاده. پس از سباپوشی ۳۳. ...ن‌باشی برای جنگ و صلح و شکست پیک فرستاد و من برای جنگ چیزی ۳۴. دادم به مقدار صد پتکو پشیز و من را اندرز کردید از طرف داوود ۳۵. پسر نیسی و خواهرزاده شما، درباره هم جنگ و هم صلح و شکست. که ۳۶. اگر به کاشغر آمده باشد (بیاید) هر چند هزینه که خواهند چیزی باز ۳۷. مدارید (دریغ مدارید) اما این‌گونه شنیدم که هم داوود و ۳۸. هم خواهرزاده ...

۶. یادداشت‌ها^(۷)

۱- س. ۱، ۵، ۸. yzyd kw dh: همان‌گونه که ناهید غنی (۱۳۸۸: ۶۰-۶۱) آورده‌است، مارگلیوت از باخر گزارش می‌کند که در متن دندان اولیق ۱، واژه‌های عبری بسیار اندکی میان دو یهودی به کار رفته‌است و از این‌رو چنین پنداشته‌است که نویسنده یا باید یک یهودی غیرمتعصب بوده باشد یا یک غیریهودی که بنابر دلایلی از خط عبری برای نوشتن نامه خود بهره برده‌است. این ویژگی در دندان اولیق ۲ نیز تا اندازه‌ای دیده می‌شود. اما به نظر می‌رسد باید آن را از ویژگی‌های گونه فارسی‌یهودی به کار رفته در ختن دانست و نباید ارتباطی به غیریهودی بودن و یا غیرمتعصب بودن نویسنده داشته باشد. در همین زمینه باید گفت که گزاره ایزد خدای را همان‌طور که مارگلیوت نیز اشاره کرده‌است (مارگلیوت، ۱۹۸۱) می‌توان با ساخت YHWH 'ēlōhīm در کتاب مقدس عبری سنجد (کتاب مقدس، پیدایش ۲: ۴)، همچنین والتر برونو هنینگ (۱۹۵۷: ۳۴۱) آغاز متن دندان اولیق ۱ را yzyd kw dh 'y y' r b' šd خوانده و بر این باور است که 'y) را باید گونه کوتاه شده YHWH 'ādōnāy دانست که در کتاب مقدس عبری (کتاب مقدس، پیدایش ۱۵: ۲) آمده‌است (غنی، ۱۳۸۸: ۷۹-۸۰)^(۸). در ادامه باید به این نکته اشاره کرد که یوشیدا (۲۰۱۷: ۲۷۳) در بازخوانی یک نوشته سغدی که پیشتر سیمز- ویلیامز و بو (۲۰۱۰: ۵۰۴) آن را به شکل (p)γyzym(?) خوانده بودند، خوانش تازه‌ای ارائه داده‌است و آن را به شکل [pr] βγγ n'm به معنی «به نام خدا» خوانده و بر این باور است که نامه‌های نوشته شده در ختن و سغد باید با این عبارت آغاز شوند و استفاده از گزاره pannām īzid xudāh در آغاز نامه دندان اولیق ۱ و ۲ به جای عبارت گفته شده نشان‌دهنده اثر اندیشه یهودی یا اسلامی است.

درباره تلفظ «خذاه» شایان ذکر است که در اشعار ابونواس و در برخی عناوین مانند «بخاراخذاه» که در کتب عربی ذکر شده‌اند نیز این «ه» پایانی دیده می‌شود. این «ه» پایانی پس از مصوت بلند در برخی واژه‌های دیگر فارسی کهن نیز آمده‌است از جمله آسیاه، آشناه، چراه (صادقی، ۱۳۵۷: ۷۹-۹۰).

۲- šlm': واژه آرامی به معنی «آسایش، تندرستی، درود!»، به‌عنوان هزوارش در متون ایرانی به کار رفته‌است (کوهرلر، باومگارتنر و استام، ۲۰۰۰: ۱۹۹۶)، از جمله به شکل ŠRM برابر drōd در پهلوی به معنی «آرامش، تندرستی، سلامتی، کامیابی» کاربرد داشته‌است (مکنزی، ۱۳۸۸: ۶۶)؛ نیکلاس سیمز ویلیامز (۱۹۹۶: ۸۰) در بررسی نامه‌های سغدی هزوارش ŠLM را برابر سغدی <'pryw(n) /āfrīwan/ به معنی «آفرین، ستایش، درود» دانسته‌است - در فرهنگ سغدی قریب (۱۳۷۴: ۹) این واژه هزوارش ندارد. - بنابراین می‌توان گزاره 'sd hzr šlm' را در این نامه با گزاره 1LP βrywr ŠLM «هزار (و) ده‌هزار آفرین» در آغاز نامه سغدی یادشده سنجید.

در واقع، از آنجا که در متون فارسی‌یهودی هزوارش نداریم باید این واژه را واژه دخیلی از آرامی ʾšlm' <šlm'> با تلفظ šolāmā در نظر بگیریم که همان معنای درود دارد. در نامه غزنه به بامیان (حئیم، ۲۰۱۲: ۱۰۹) نیز این واژه نخست به شکل «شلما» به خط فارسی و سپس به خط عبری ʾšlm' نوشته شده و پیش از آن نیز عدد هزار به شکل کوتاه «ال» به خط فارسی و سپس به خط عبری ʾšlm' نوشته شده‌است. همچنین یکی از اسناد گنیزه کابل که نامه‌ای است از موسی بن اسحاق یهودی به ابونصر أحمدبن دنیئل که در حدود سده ۱۰ تا ۱۲ میلادی نوشته شده (با شماره ۴۰۴ و ۸۳۳۳ و نام PL3) با این واژه‌ها آغاز می‌شود ʾšlm' <šlm'> «هزار هزار شلما».

۳- «kwhrq» ژان و شی x^wāharak (خواهرک = خواهر کوچک) خوانده‌اند. بی‌گمان املاي واژه اجازه چنین خوانشی را می‌دهد اما نکته‌ای در این خوانش هست؛ در سطر ۳۵ واژه «خواهر» چنین نوشته شده‌است: «khr» و در بند ۳۸ kw'hr نوشته شده که هیچ‌کدام با نمونه ما همخوانی ندارند. به همین دلیل در این بند نمی‌توان با اطمینان واژه را مطابق نظر ژان و شی خواند مگر آنکه فرض کنیم آوای x^w در حال دگرگونی بوده‌است و با تخیف آوایی تلفظ می‌شده‌است، به همین سبب گاه در خط منعکس شده و گاه نشده‌است (نک. یادداشت ۱۴).

۴- نک. یادداشت ۱۳.

۵- $mrdwm'n yš m' \sim mā$: ژان و شی این گزاره را $mardumān iš$ خوانده‌اند و ضمیر دوم شخص جمع را در این جا به درستی $išmā$ آوانویسی کرده‌اند اما مشکل نخست اینکه کسره اضافه i را نادیده انگاشته‌اند. مشکل دیگر اینکه در برخی بندها این ضمیر را $šumā$ آوانویسی کرده‌اند (برای نمونه بند ۳۰). با توجه به بند ۷ (... $qw yš m' ..$) و دلایلی که در ادامه گفته می‌شود آشکار است که ضمیر دوم شخص جمع به کار رفته در این نامه، همه جا باید $išmā$ خوانده شود و دوگانه‌خوانی آن پذیرفتنی نیست. این پژوهشگران متوجه نشده‌اند که در جاهایی که واژه‌ای با نویسه پایانی y به کار رفته و پس از آن واژه‌ای با y آغازین باید آورده می‌شده، نویسنده برای اختصار در نوشتار و پرهیز از دوباره نویسی y ، یک بار آن را نوشته که هم دلالت بر حرف پایانی واژه پیشین کند و هم حرف نخست واژه پسین را نشان دهد. این قاعده در پشت هم نویسی کسره اضافه i در جایگاه نخست و واژه‌ای با y آغازین در جایگاه دوم نیز صادق است. یعنی این عبارت باید این‌طور خوانده شود $mardu/ōmān i$. $išmā$ بنابراین عبارت بند ۳۰ چنین است $by šma=bē išmā$ یعنی این ضمیر در سراسر نامه باید $išmā$ خوانده شود و خوانش $šumā$ که پژوهشگران چینی در برخی بخش‌ها استفاده کرده‌اند به کلی نادرست است. - ارساتی (۲۰۱۹: ۶۲ پ. ۷) نیز گفته‌است این ضمیر باید $šimā$ یا $išmā$ باشد. شیوه مختصرنویسی در بند ۱۰ و ۱۸ در عبارت‌های $Pa ān=p'n$ و $myhtr' = mihtar rā$ نیز دیده می‌شود.

۶- «ربی» به معنای «خاخام = ربای» است (گیندین، ۱۳۹۷: ۵۴).

۷- ژان «پیرو» را لقب حکیم دانسته‌است در حالی که آشکارا میان این دو واژه حرف ربط «u» آمده‌است.

۸- نکته جالب اینکه شناسه اول شخص جمع به دو گونه ym - و wm - هم‌زمان به کار رفته‌است. برای نمونه کاربرد wm - برای اول شخص جمع می‌توان به این سطر و سطر ۹ ($m' yptwm 'gwspnd$) اشاره کرد. کاربرد پایانه wm - برای اول شخص جمع در کتیبه پایکولی و نیز در متون فارسی میانه مانوی نیز دیده می‌شود برای نمونه: $'wš'n 'wh gwpt kw$. $nmbw$ ایشان چنین گفتند که تو را نماز بریم (بویس، ۱۹۷۵: ۶۳).

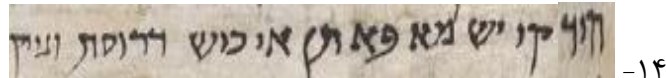
۹- $mrdmq'n$ در این سطر با کاف تصغیر در برابر $mrdm'n$ در سطر ۳ جالب است و شاید نشان از پایین بودن جایگاه این افراد در برابر افراد اصلی خانه داشته باشد.

۱۰- ژان ترجمه کرده‌است «نیک هستیم و با نیروی سرور خداوند غلامان خانه تا امروز خوب هستند.» درحالی که عبارت «نیروی خدا» برای هر دو جمله پیش و پس آمده‌است.

۱۱- شواهدی از این دست نشان می‌دهد که در آن دوره زمانی، در گویش فارسی نویسنده، ارگاتیو از میان رفته‌است؛ وگرنه به جای yptwm باید um yāft و به جای br kwndwm باید um bar x(w)ānd می‌آمد.

۱۲- ماضی بعید در نامه دندان اولیلق ۱ چنین ساختی دارد frwkt**h** bwd = frōxt**a** būd اما در متن حاضر nbyšt bwdy آمده‌است.

۱۳- ژان و شی واژه را hamagīn خوانده و چنین ترجمه کرده‌اند «نوشته بودید که همه شما تندرست و نیک هستید». باید توجه کرد که حرف ربط kū پس از hmgyn آمده‌است بنابراین ترجمه ژان و شی نمی‌تواند دقیق باشد. اگر hmgyn را در معنای همگی درست بدانیم باید چنین ترجمه شود: نوشته بودید همگان را (یعنی درباره همه اشخاص نوشته بودید) که شما تندرست و نیک هستید. پیشنهاد دیگر که بهتر به نظر می‌رسد این است که این واژه را قید در نظر بگیریم یعنی همگی (کل) آنچه را که نوشته بودید خواندم.



۱۴-

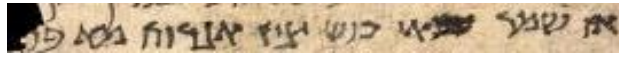
qw yšm' p' tn 'y **kyš** drwst w nyyq hyd

ژان و شی واژه را kwš خوانده و x^waš آوانویسی کرده‌اند -ژان در ترجمه انگلیسی نامه گفته‌است: همه شما از لحاظ جسمی سلامت و سالم هستید- ما بر این باوریم که بنابر شواهدی که در ادامه گفته می‌شود این واژه باید kyš (xēš) خوانده شود نه kwš (x^waš). واژه x^waš از لحاظ نحوی نمی‌تواند در آنجا بیاید زیرا اگر قرار بود جمله‌ای با مفهوم «به تن خوش و درست و نیک هستید» می‌آمد نیازی به کسره اضافه i میان tan و x^waš نبود و i زائد بود. ضمن آنکه نویسنده در بند ۵ برای اینکه خبر از سلامتی‌اش بدهد تنها از واژه‌های « drwst w nyyq درست و نیک» استفاده کرده‌است و نشانی از واژه «x^waš خوش» نیست.

از نظر ما اینجا نویسنده می‌خواهد بگوید «... به تن خویش ...» و واژه مورد بحث ضمیر مشترک x^wēš فارسی میانه و خویش فارسی نو است. در حقیقت عبارت tan ī xwēš در متون فارسی میانه کاربرد فراوان داشته (برای نمونه در بند ۲۹ متن پهلوی اندرز پوریوتکیشان ..abar... و در این متن فارسی-یهودی نیز به کار رفته‌است.

می‌دانیم شباهت حروف w و y در نسخ کهن فارسی-یهودی بسیار زیاد است و همان‌طور که اوتاس (۱۹۶۸: ۱۲۵) گفته این دو حرف در دست‌نوشته‌ها گاه با هم خلط می‌شوند. به نظر ما خوانش درست آن است که به جای w حرف y خوانده شود. املاي واژه در متن اصلی چنین است:  حرف میانی - که زیرش خط کشیده شده- مورد نظر است. این املا اگرچه از املاي متعارف برای حرف y کمی بزرگ‌تر است اما بی‌سابقه نیست. برای نمونه می‌توان به واژه  yakē=yqy (یکی) در سطر ۱۴ اشاره کرد که حرف y دوم دقیقاً به شکل مورد نظر ما نوشته شده‌است. بنابراین در واژه  می‌توان به جای w حرف مورد نظر را y خواند و بدین ترتیب واژه $x^w\bar{e}\bar{s} < x^w\bar{e}\bar{s}$ خویش به دست می‌آید. پرسشی که دربارهٔ این خوانش ممکن است پیش بیاید این است که خویش در متون کهن فارسی (نوشته شده به خط فارسی-عربی) با «و» و به شکل «خویش» نوشته شده‌است و کمی عجیب است که در این متن w حذف شده باشد. در پاسخ به این پرسش باید متذکر شد در متون کهن فارسی واژه خواهر نیز به شکل کهن و با «و» نوشته شده‌است اما در همین متن آشکارا در بند ۳۵ به شکل khr نوشته شده‌است -درحالی‌که همین واژه در ۳ بند آن‌سوتر، یعنی بند ۳۸ kw'hr نوشته شده‌است-. این چندگونه نویسی‌ها نشان می‌دهد که در گونهٔ زبانی مورد نظر ما آوای x^w در حال دگرگونی و ساده شدن به x است. در همین زمینه می‌توان به نظر تمار گیندین (۱۳۹۷: ۵۳) اشاره کرد: «خطاها و لغزش‌ها یا عدم آنها نشان می‌دهد که خوشهٔ صامت x^w در یهودی تاجیکی قدیمی با فارسی نو یک صدا داشته و آن هم صدای x است» -توجه شود که بنا بر سطر ۱۱ نویسندهٔ متن مورد نظر ما نیز از یهودیان سغد بوده‌است-. طبق گفتهٔ پاول (۲۰۱۳: ۱۰۱) در برخی نامه‌های فارسی-یهودی به دست آمده از بامیان نیز واژه $x^w\bar{e}\bar{s}tan$ به شکل kyštn حرف‌نویسی شده و حرف w نوشته نشده‌است. پاول دربارهٔ واژه مورد نظر ما در این نامه چندان مطمئن نظر نمی‌دهد، به نظر او حرف‌نویسی واژه kwš است -که از نظر ما نادرست است و چنانکه در بالا نقل شد خود او شواهدی برای املاي kyš ارائه داده‌است- و اگرچه در متن اصلی واژه را مانند ما ضمیر مشترک $x^w\bar{e}\bar{s}$ دانسته‌است اما در پانویس امکان خوانش $x^w\bar{a}\bar{s}$ را نیز ممکن می‌داند -که از نظر نحو و مفهوم جمله این خوانش را ناممکن می‌کند-. در ادامهٔ ادلهٔ خوانش $x\bar{e}\bar{s}$ برای این واژه، می‌توان به سطر ۲۱ دندان اویلیق ۱ اشاره کرد:

اوتاس بند مورد نظر را



چنین خوانده و ترجمه کرده‌است (اوتاس، ۱۹۶۸: ۱۲۹-۱۳۰): $x^w a\check{s} \check{c}i\check{z} \text{ and}\check{o}h \text{ m}\check{a}$
 $b\check{e} \text{ t}\check{o} \text{ az } \check{s}um\check{a}r \text{ } \check{i} \text{ far}[\text{m}\check{a}i]$

اما تو برای شمار خوش هیچ اندوه مفر [مای]

لازار (۱۳۹۳: ۲۲۶) پیشنهاد زلمان (۱۹۰۵: ۴۹) را مبنی بر خوانش $xw\check{s}=x^w\check{e}\check{s}$ - از شمار خویش - و سوسه‌انگیز و دارای معنی بهتری می‌داند اما ذکر می‌کند که نیامدن y در خط، جای شگفتی دارد. به نظر می‌آید اگر آنجا نیز واژه مطابق نظر ما $xy\check{s}=x^w\check{e}\check{s}$ خوانده شود و آوای w را حذف شده بیندازیم مشکل حل خواهد شد.

به‌عنوان نکته‌ای تکمیلی دربارهٔ تحول آوایی x^w به گونه‌های مختلف، می‌توان به املاهای آوای $x^w\check{a}$ در واژه $x^w\check{a}stan$ خواستن در همین نامهٔ دندان اولیلق ۲ اشاره کرد که در صرف‌های مختلف گاه بدون الف ($\check{ }^{\prime}$) و به شکل $=kw\check{s}tn$ = خواستند، سطر ۲۵) و گاه با الف ($\check{ }^{\prime}$) $=kw^{\prime}hnd$ = خواهند سطر ۳۷) نوشته شده‌است. این را بسنجید با قصیدهٔ سیف فرغانی (از اهالی فرغانهٔ فرارود در گذشته به سال ۷۴۹ق) با این مطلع:

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد هم رونق زمان شما نیز بگذرد

که در بیت پایانی آن فعل خواهم $x^w\check{a}ham$ به شکل $xuham$ آمده‌است:

ای دوستان خوهم که به نیکی دعای سیف یک روز بر زبان شما نیز بگذرد

بنابر گفته‌ها و شواهد بالا که حکایت از چندگونه نویسی آوای x^w دارد، به نظر می‌رسد در آن دورهٔ زمانی در گویش نویسندهٔ نامه، آوای x^w در حال دگرگونی بوده و در واژهٔ مورد نظر با توجه به نحو و معنا و شواهد نوشتاری، خوانش $x\check{e}\check{s}$ بر $x^w\check{a}\check{s}$ ترجیح دارد.

۱۵- حرف $\check{ }^{\prime}$ در اینجا ادامهٔ حرف اضافهٔ پیشین \check{o} در فارسی میانه است که به شکل \check{N} در خط منعکس شده‌است. این حرف اضافه در متن سند حقوقی اهواز (The law Report from Ahwāz) با همین واژهٔ $py\check{s}$ (پیش) و در متن تفسیر یوشع در کنار واژه‌هایی همچون dst (دست) و $k^{\prime}r$ (کار) و نیز در عبارت $i^{\prime}dygr$ (یک و دیگر) (برابر فارسی میانه $yak \check{o} \text{ did}$ و قرآن قدس آیهٔ ۲۸۱ بقره $\check{ }^{\prime}$ یک و دیگر) آمده‌است. در آوانویسی این حرف اضافه اختلاف نظر هست؛ لودویگ پاول (۲۰۰۳: ۱۸۳) همانند لازار آن را u آوانویسی می‌کند در حالی که شاکد a یا o را درست می‌داند.

۱۶- ژان عبارت *frmwdy bwdym* را با هم یک فعل انگاشته و ترجمه کرده‌است؛ *we ordered* (ما فرمودیم) که ترجمه‌ای نادرست است زیرا حتی اگر این دو جزء، سازنده یک فعل باشند باید ماضی بعید (گذشته کامل *past perfect*) ترجمه شود نه ماضی ساده. اما باید گفت اگر قرار بود این ترکیب فعل ماضی بعید باشد باید *frmwd bwdym* می‌آمد چنانکه در ادامه نامه در بند ۲۲ عبارت ماضی بعید دیگری به این شکل نوشته شده‌است: *nibišt būdē =* نوشته بودی. در عبارت مورد نظر ما حرف *y* در پایان *frmwdy* آشکارا نظر ژان-شی را نقض می‌کند. پاول (۲۰۱۳) در برابر این عبارت به‌رغم آنکه آن را مانند ژان و شی یک فعل انگاشته، نظر واحدی ندارد. او نخست در صفحه ۴۶ عبارت را به شکل *frmwdy bwdy* (با حذف *m*) آورده و ترجمه کرده‌است؛ *you had ordered* تو فرموده بودی - در ترجمه انگلیسی گذشته کامل *past perfect* دوم شخص مفرد - (احتمالا *m* را ضمیر پی‌چسبی اول شخص مفرد مفعولی انگاشته، یعنی تو مرا فرموده بودی) (؟) و دیگر بار در صفحه ۹۸ کل عبارت را ذکر می‌کند و چنین ترجمه‌ای به‌دست می‌دهد: *the gifts that we have ordered (for) him are right* (هدایایی که ما برای او فرموده‌ایم، شایسته (برازنده) هستند). (در ترجمه انگلیسی حال کامل *present perfect* اول شخص جمع). به نظر هر دو ترجمه نادقیق و نادرست می‌آید.

به باور ما این عبارت شامل دو فعل مستقل است. فعل نخست «فرمودی» دوم شخص مفرد گذشته است و برای عبارت «هدیه‌ای که ...» آمده‌است و چون ارگاتیو در آن دوره وجود نداشته فعل ماضی متعدی مانند فعل ماضی لازم صرف شده‌است؛ این فعل منسوب به شواپردر است یعنی هدیه‌ای را که {تو = شواپردر} فرمودی. فعل دوم یعنی *bwdym* اول شخص جمع گذشته‌است «بودیم» که به همان افرادی برمی‌گردد که در جمله پیش گفته‌اند «ما با احترام گوسفند را از دهقان دریافت کردیم». این عبارت قابل سنجش است با عبارتی از متن دندان اویلیق ۱ بدین مضمون: *kār ī farmūdē aš saxt kunum* (کاری که فرمودی آن را ^(۹) سخت انجام دهم)، با این تفاوت که در متن دندان اویلیق ۲ فعل دوم برای تأکید در ابتدای جمله آمده‌است.

در ادامه *īš* به هدیه بر می‌گردد یعنی «آن (هدیه) را» و مفعول برای *rāst būdan* است، عبارت «چیزی را راست بودن» در معنای «چیزی را صادق بودن» در ادبیات کهن فارسی دارای شاهد است (نک. دهخدا) و در متن ما احتمالا معنی «به درستی چیزی را پایبند بودن» می‌دهد و مفهوم کلی جمله آن است که «هدیه‌ای را که (تو= شواپردر) فرمودی، آن را راست

بودیم (درست به همان ترتیب عمل کردیم)». قرینه‌ای در بند ۱۶ وجود دارد که این نظر را تقویت می‌کند. در این بند در میانه برشمردن هدایا عبارت «چه نیک کردید» آمده است. می‌دانیم معنای نخست و کهن «کردن»، «ساختن» است. بنابراین اینجا گفته شده است «چه نیک ساختید» که می‌تواند اشاره به این داشته باشد که هدایا را شواپردر فراهم کرده نه نویسنده نامه. به عبارت دیگر نویسنده نامه به شواپردر می‌گوید چه نیکو هدایایی ساختید.

۱۷- ژان cwn را قید علت دانسته و because ترجمه کرده است درحالی که اینجا قید زمان است به معنای «هنگامی که» و مفهوم جمله چنین است؛ هنگامی که هدیه را به ...

۱۸- Pān = pa ān (گیندین، ۱۳۹۷: ۵۳).

۱۹- ژان ترجمه کرده است: As soon as Tib worked on that به محض آنکه تیب روی آن کار کرد. اینکه چرا چنین برداشتی از جمله کرده است بر ما ناپیداست. خوانش و ترجمه این جمله مشکل است. می‌توان به چند صورت خواند:

الف - ham andar zaman tīb bi kardīd

ب - ham andar zaman tīb bē kār dīd

ج - ham andar zaman tīb bi gardīd

در حالت اول و سوم by پیشوند فعلی فرض شده است و در حالت دوم حرف اضافه. گزینه اول از لحاظ معنایی و مطابقت شخص و شمار با جملات پس و پیش درست نیست و کاملاً رد می‌شود. گزینه دوم اگرچه معنی «همان زمان تیب آن را کار آمد دید» را به ذهن فارسی‌زبانان متبادر می‌کند و با بافت کلی جمله همخوانی دارد اما یک مشکل نحوی مهم دارد؛ در این جمله حرف اضافه pa باید جای by می‌نشست و کاربرد by در این عبارت درست نیست. گزینه سوم بسیار بهتر از دو گزینه پیش است و از لحاظ معنایی مطابقت کامل با بافت معنایی جملات پس و پیش دارد. باید توجه شود که یکی از معانی «گردیدن» در زبان فارسی «دگرگون شدن و تغییر کردن» است (نک. دهخدا) و زیرمجموعه این تغییر کردن، دگرگون شدن حال و احوال هست:

گه خوش سخنی گیری و گه تلخ زبانی
(فرخی سیستانی، به نقل از دهخدا، سرواژه گردیدن)
وگر زمانه نسازد تو با زمانه بساز
(مسعود سعد سلمان، به نقل از دهخدا، سرواژه گردیدن)

ای دوست به صد گونه بگردی به زمانی
اگر سپهر بگردد ز حال خود تو مگرد

بنابراین در این جمله منظور این است: وقتی نویسنده نامه، هدیه را نزد تیب برده‌است به سبب درخور بودن هدیه، تیب احوالش دگرگون گردیده و فرمان تحویل گوسفند را داده‌است. اما درباره اینکه چرا با وجود حرف نویسی qrdyd (نویسه q در فارسی یهودی کهن معرف آوای k=ک است) فعل به شکل gardīd خوانده شد باید گفت اگرچه در متون فارسی یهودی کهن آوای g آغازی معمولاً با نویسه ګ (g) نشان داده می‌شود و نویسه ګ معمولاً برای آوای k به کار می‌رفته اما در بند ۱۲ همین متن فعل «گرفت» در «خشم گرفت» با نویسه ګ (q) نوشته شده‌است ضمن آنکه در دندان اولیق ۱ نیز یک بار شاهد چنین کاربردی هستیم (در بند ۳۱ فعل گفتی با q نوشته شده‌است) بنابراین دور از ذهن نیست که اینجا نیز نویسه ګ (q) به جای ګ (g) به کار رفته باشد.

۲۰- این واژه در یک متن ایغوری به صورت <'ML CYKŠY / <'aməl čigš'i> به کار رفته‌است (موریاتسو، ۲۰۰۴: ۲۲۸). ژان در رساله دکتری خود به پیوند این واژه و عنوان ختنی tsīšī بخشدار از /cīshī/ چینی و نیز راهیابی آن به متن فارسی میانه مهرنامگ به شکل cygš'n و cygšyy اشاره کرده و بر این باور است که تلفظ ختنی، مستقیم از چینی و تلفظ فارسی میانه از سغدی وارد شده‌است (ژان الف، ۲۰۱۶: ۱۲۰). پاول (۲۰۱۳: ۱۶۱) آن را با تردید Jixāšī خوانده‌است.

واژه آرامی و کوتاه شده ܡܪܝܢ / <mr' / <mārê/ به معنی سرور است (کوهرل، باومگارتر و استام، ۲۰۰۰: ۱۹۲۱-۱۹۲۲). این واژه به‌عنوان هژوارش در نوشتار چهار زبان ایرانی به کار رفته‌است، در پارسی میانه MR'Ĥ برای xwadāy سرور، خدا و MR'T یا ML'T برای bānūg بانو (ژینیو، ۱۹۷۲: ۲۹)، در پارتی MR'Y برای xwadāw خدا، خداوندگار با شکل جمع MR'n برای xwadāwīn و MR'TY برای bānūg بانو (همان: ۵۸)، در سغدی MR'Y یا MR'Y برای ܡܪܝܢ فرمانده، شاه، امیر (قریب، ۱۳۷۴: ۲۱۶) و نیز در خوارزمی MR'Y. از کاربرد این واژه به‌عنوان بخشی از نام‌های خاص نیز شواهدی داریم.

به کار رفتن ترکیب ایغوری همراه با کاربرد واژه آرامی گفته شده، این گمان را به وجود می‌آورد که mar در اینجا نیز به معنای سرور به کار رفته‌است اما در حقیقت باید یادداشت ۲۱ را مدنظر قرار داد و mar را حرف اضافه پیشین به شمار آورد.

۲۱- ترکیب حرف اضافه پیشین mar و حرف اضافه پسین rā قابل توجه است mr cykšy r' prmwd، محمدتقی بهار (۱۳۹۱: ۴۰۱) در این باره توضیح داده‌است که «این حرف در پهلوی

به نظر حقیر نرسیده‌است و ظاهراً از اصطلاحات خراسان و از لهجه دری باشد، و در نویسندگان خراسان نیز استعمال آن گاهی شدت دارد و گاهی ضعف، منجمله در بلعمی به اندازه و در زادالمسافر ناصر خسرو به افراط و در تاریخ سیستان کمتر دیده می‌شود. بلعمی این حرف را در مواردی می‌آورد که مفعول در محل پستی و دنائت نباشد ... و باید هر جا این حرف می‌آید متعلق آن محل مفعول بلاواسطه داشته باشد.» و در ادامه با ذکر مثالی از تاریخ بلعمی چنین نتیجه‌گیری می‌کند؛ «مرا گمان چنان است که مر در اصل از علامات احترام مانند حضرت و مولی و از این دست‌ها بوده‌است و رفته‌رفته صورت ادات به خود گرفته‌است». رضایی باغ بیدی (۱۳۸۵: ۲۲) نیز کارکرد این ترکیب را نمایاندن مفعول مستقیم یا مقصد عمل می‌داند. لازار (۱۳۹۳: ۲۴) این ترکیب را از ویژگی‌های متون منطقه فرارود و بخش شرقی افغانستان می‌داند. در همین زمینه ذکر این نکته ضروری است که واژه mar در سند شماره ۱۵ از مجموعه فارسی میانه دانشگاه برکلی (Berkeley MP Archive) در کنار نام استاندار -یا به گمان دیتروبر در کنار عبارت «دوده استاندار»- به کار رفته‌است (وبر، ۲۰۰۴: ۱۳۶) و به نوعی پیشینه کاربرد mar را در فارسی میانه متأخر نشان می‌دهد (mar در متن روایات پهلوی و ارداویراف‌نامه نیز دیده می‌شود).

نوع دیگر این ترکیب az mar...rā است که در سطر ۱۵ در جمله‌ای با فعل اسنادی محذوف به کار رفته و همان کارکرد rāy با فعل اسنادی را در متون فارسی میانه دارد که به نوعی مالکیت را نشان می‌دهد. ظاهراً az mar ترکیب دو حرف اضافه az و mar است. درباره az mar نظرات متعددی داده‌اند (نک. نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۴۵-۱۴۸).

نکته دیگر اینکه در ترجمه‌های کهن قرآن این ترکیب گاهی برای اشخاص گناهکاری به کار رفته‌است که در جایگاه محترمی قرار ندارند، از جمله در سوره اعراف آیه ۵۳ در ترجمه قرآنی که احتمالاً متعلق به قرن پنجم است (باحقی، ۱۳۸۹: ۱۴۹۹)^(۱۰) از سوی دیگر اگر این ترکیب در نامه مورد نظر بیان‌کننده احترام می‌بود باید نخست به شخص دهقان که بالاترین جایگاه را دارد (در بند ۱۴) و نیز به دختر دهقان (در بند ۱۶) اطلاق می‌شد اما تنها برای زیردستان به کار رفته‌است.

۲۲- درباره استفاده از نویسه q به جای g در این فعل نک. بخش پایانی یادداشت ۱۹.

۲۳- نکته قابل توجه حذف d پایانی برای شناسه سوم شخص جمع است؛ šbly w hqym wdw gwł'm rptn

۲۴- در فارسی باستان *θakata* سپری شده (کنت، ۱۹۵۰: ۱۸۷) برای مشخص کردن روزی از ماه به کار رفته‌است. همچنین در متون فارسی میانه و پهلوی اشکانی به دست آمده از تورفان واژه *sxt* همراه با اعداد شمارشی برای مشخص کردن تاریخ به کار رفته‌است (دورکین-مایسترست، ۲۰۰۴: ۳۱۱) این واژه در سغدی نیز به شکل *sgt* آمده‌است. واژه *sgd* که در این متن برای نشان دادن تاریخ همراه با عدد شمارشی عیناً مطابق متون مانوی به کار رفته، مرتبط با ۳ شاهد بالاست. همچنین صورت واژه در متن فارسی یهودی با قوانین آوایی زبان‌های ایرانی شرقی مطابقت دارد.

۲۵- نک. بخش ویژگی‌های صرفی - نحوی

۲۶- واژه *qulin* در فارسی نو به معنی نوعی کوزه دهن گشاد است (نک. انوری). سغدی *γwδ'k(h)* آوند، کوزه، ظرف، پیمانه (خشک) (قریب، ۱۳۷۴: ۱۷۴). ژان (۲۰۱۶ الف: ۴۱۳) واژه *gūthaka* ختنی به معنی سیو، ظرف را نیز با آن در پیوند می‌داند.

۲۷- پیمانه‌ای باشد که بدان چیزها را پیمانه کنند. قفیز معرب آن است (نک. دهخدا).

۲۸- *šag* واژه چینی *shí* به معنی سنگ که به‌عنوان واحد حجم در تخاری به شکل *cāk* و به‌عنوان واحد شراب در بلخی به شکل *σαγο* و در ختنی یک واحد وزنی به شکل *šīgā*- است (بیلی، ۱۹۷۹: ۳۹۸-۳۹۹). ممکن است واژه‌های سغدی *š'γ* و *š'x* با این واژه در پیوند باشند (سیمز-ویلیامز و همیلتون، ۱۹۹۰: ۴۶).

۲۹- *satēr*: یک واحد وزنی رایج که در متن‌های عربی و فارسی به شکل ستیر به کار رفته‌است و در ختنی نیز به شکل *satīra*- وجود دارد (بیلی، ۱۹۷۹: ۴۱۸).

۳۰- *šamsī*: واژه چینی *cánsī* به معنی ابریشم که بنابر ترجمه شروع از یک متن ختنی باید آن را همان ابریشم سفید ساده -به چینی *bái juàn*- دانست، ژان و گوان شی نیز در کار خود از دیدگاه شروع پیروی کرده‌اند و این واژه را از واژه چینی میانه *cánsī* دانسته‌اند که به معنی ابریشم (کرم ابریشم) است (چینگ و وانگ، ۲۰۱۳: ۳۱۷).

۳۱- *pānxwān*: واژه چینی *pànguān* به معنی دادرش به دو صورت *p'wk p'nxw'n* و *tsw p'nxw'n* به‌عنوان لقب در متن فارسی میانه مهرنامگ نیز به کار رفته (مولر، ۱۹۱۲: ۱۲). یوتاکا یوشیدا (۱۹۹۴: ۳۷۱) نیز به آن اشاره کرده. ژان (۲۰۱۶ الف: ۱۱۷) با اشاره به موارد پیش گفته آن را یک جایگاه مهم عهده‌دار کارهای دفتری کارمندان افسر نظامی دانسته و به کاربرد آن در ختنی به شکل *phaṇā kvānā* اشاره کرده‌است (یوشیدا، ۲۰۱۷: ۲۷۴).

- ۳۲- نکته قابل توجه اینکه ادات نفی برای فعل به شکل *na* به کار رفته *n' d'dwm / w n'* اما برای اسم در سطر ۳۰ به شکل *ny* به کار رفته است.
- ۳۳- ساختی کهن از مضارع التزامی است، این ساخت به فارسی نو نرسیده ولی از سوم شخص مفرد آن در فارسی نو به عنوان فعل دعایی استفاده شده است.
- ۳۴- *n' mdh b'd* مضارع التزامی که به دری نرسیده است (نیز در بند ۳۶ *gr' mdh b'd*)^(۱).
- ۳۵- احتمالاً فعل تمنایی است.
- ۳۶- *rwšny'y* ژان و شی واژه را چنین آوانویسی کرده‌اند؛ *rōšnī-ē* اما به نظر می‌رسد که این واژه *rōšnyā(y)ī* به معنی روشنایی است و از نظر ساخت قابل سنجش با واژه *dušmenyādīh* در فارسی میانه مانوی است با حذف *h* پایانی و تبدیل *d* به *y*^(۱).
- ۳۷- گم شدن: ضایع شدن، از دست رفتن (نک. دهخدا).
- ۳۸- ژان و شی واژه را بدون آوانویسی «پیک» ترجمه کرده‌اند. پاول (۲۰۱۳: ۱۶۲) ظاهراً واژه را در نیافته و علامت سؤال گذاشته است. در سغدی واژه *kncq'k* و *knc'k* (قریب، ۱۳۷۴: ۱۹۰) به معنای کنیزک و دختر بچه است و واژه مورد نظر ما در این متن باید مرتبط با همین واژه سغدی و به معنای کنیزک باشد.
- ۳۹- *ptkw*: از واژه‌های مشترک با دندان اولیق ۱، اوتاس (۱۹۶۸: ۱۳۳) بر پایه پیشنهاد نوبری آن را از واژه آرامی *𐤐𐤕𐤗𐤓 <ptq' > /pitqā/* به معنی کوزه و احتمالاً در پیوند با واژه یونانی *πιττάκιον* و حتی شاید ترکی باستان *bitkā* یا *bitkü* دانسته **pitkū* خوانده است. معنای این واژه تا پیش از پیدا شدن متون چینی، سغدی و خنتی چندان روشن نبود اما به کار رفتن شکل سغدی *ptkww* در برابر چینی *guàn* به عنوان یک واحد پولی، برابر «یک رشته هزارسکه‌ای» (بو و سیمز-ویلیامز، ۲۰۱۰: ۵۰۵-۵۰۶). با برابر خنتی *ysārī hambā* هزار بهر (ژان، ۲۰۱۶: ۲۵۲-۲۵۳) به روشن شدن معنای این واژه کمک بسیاری کرد.
- بنابر پیشنهاد سیمز- ویلیامز و بو دو واژه سغدی *ptkww* و چینی *guàn* از دیدگاه معنایی یکی هستند؛ واژه چینی از فعل چینی *chuān* سوراخ کردن، به نخ کشیدن، به هم رشته کردن و واژه ایرانی از فعل سغدی *-ptkwc / *patkōč* / نخ کردن، سوراخ کردن، قلاب انداختن (برای ماهی) (قریب، ۱۳۷۴: ۳۱۰) از ایرانی باستان **pati.kauč* می‌آیند (چئونگ، ۲۰۰۷: ۲۴۸-۲۴۹) که به کاربرد رشته‌های سکه و ویژگی آنها بسیار نزدیک است (بو و سیمز-ویلیامز، ۲۰۱۰: ۵۰۶-۵۰۵). در برخی از سرزمین‌ها به‌ویژه در جنوب شرقی آسیا، سکه‌ها دارای یک روزنه در

میانه خود بودند و برای جابه‌جایی آسان‌تر، از این روزنه نخ یا چوب رد و یک رشته از سکه درست می‌کردند (تصویر ۱).



۴۰- *az sōy ī... rā* یعنی از طرف ... (اوتاس، ۱۹۶۸: ۱۳۳) که در اینجا جمله بدین مفهوم است؛ مرا از طرف داوود و ... اندرز کردید.

ژان، داوود و پسر نیسی را دو شخص جدا به حساب آورده و از طرفی پسر نیسی را همان خواهرزاده شوایر در دانسته و این‌گونه ترجمه کرده‌است *David, and Nisi's son, your nephew*، اما در متن اصلی میان داوود و پسر نیسی حرف ربطی نیست. در حالی که میان «پسر نیسی» و «خواهرزاده شما» حرف ربط آمده‌است ضمن آنکه خط آخر نامه نشان می‌دهد شخصیت‌هایی که نویسنده از آنها می‌گوید داوود و خواهرزاده هستند، بر این اساس داوود همان پسر نیسی است و شخص دوم خواهرزاده شوایر در است.

۴۱- همان‌طور که ترجمه ژان نشان می‌دهد عبارت *hm hrb r' w kwz'm w sl'm r'* را ادامه عبارت *z swy* ... دانسته‌اند. به بیان دیگر، *z swy* را هم برای داوود و هم خواهرزاده و هم این عبارت نافذ دانسته‌است اما به نظر می‌رسد *z swy* تنها برای داوود و خواهرزاده صدق می‌کند و عبارت بعدی مستقل است و مفهومش این است؛ مرا درباره هم حرب و هم صلح و هزیمت اندرز کردید.

۴۲- ماتسویی و شیراتاما در بررسی یک قطعه ترکی-چینی به کاربرد *kwzynh* در متن دندان اوئیلیق ۲ اشاره کرده‌اند و واژه ترکی *qaznaq* و واژه چینی *gē sī nuò* را برگرفته از آن دانسته‌اند (ماتسویی و شیراتاما، ۲۰۱۷: ۶۲).

۴۳- معنای اصلی «بازداشتن» در زبان فارسی «مانع شدن و جلوگیری کردن» است و ساختار اصلی آن چنین است: کسی (یا چیزی) را از کسی (یا چیزی) باز داشتن، که ما برای توضیح مطلب عبارت «کسی (یا چیزی) را» را بخش یک و «از کسی (یا چیزی)» را بخش دوم می‌نامیم. نمونه: اگر از من تو بد نداری باز _ نکنی بی‌نیاز روز نیاز (ابوشکور). در اینجا یادآوری دو نکته مهم است؛ یک آنکه هر یک از دو بخش این ساختار بنا به دلایل زبانی، از جمله پرهیز

از تکرار و حشو قابل حذف هستند، دو آنکه «بازداشتن» با توسع معنایی می‌تواند معنی «دریغ کردن و مضایقه کردن» داشته باشد. برای نمونه: فرمود که یا عزرائیل، من بهشت را از دوستان خود باز ندارم (دریغ ندارم)، آن را رها کن تا در بهشت باشد (قصص الانبیاء، به نقل از دهخدا). در عبارت مورد نظر در متن نامه دندان اولیق ۲ معنای اخیر؛ «دریغ کردن» مراد بوده‌است. پاول (۲۰۱۳: ۱۴۳) عبارت را چنین ترجمه کرده‌است؛ *do not keep anything back from us* (چیزی از ما باز مدارید) یعنی *m'* نخست را ضمیر اول شخص جمع (ما) دانسته‌است و *m'* دوم را ادات نهی. اما به نظر می‌رسد هر دو *m'* ادات نهی هستند و به سبب پایان یافتن سطر، نویسنده آن را تکرار کرده و معنای اصلی جمله این بوده‌است؛ چیزی (را از ایشان) باز مدارید (دریغ نکنید)، و همان‌طور که گفته شد بخش دوم ساختار؛ از ایشان، می‌تواند حذف شود و در زبان فارسی شواهد فراوان دارد (نک. دهخدا، سرواژه باز داشتن).

۴۴- *by* در اینجا معنای «اما» دارد، همچنان که در فارسی میانه چنین است و عجیب آنکه ژان درچند خط بالاتر این معنی را دریافته اما اینجا عبارت *by ydwn šnydwm* را ترجمه کرده؛ *I followed your advice*، یعنی *by* را احتمالاً پیشوند فعل دانسته‌است.

۷- بررسی ویژگی‌های صرفی - نحوی

۷-۱- ویژگی‌های صرفی - نحوی همسان با فارسی میانه

گونه زبانی این متن ساختاری میانجی دارد، بدین معنی که تحول زبان فارسی را - از فارسی میانه به فارسی نو- به خوبی نشان می‌دهد.

چند ویژگی فارسی میانه موجود در متن که در متون فارسی نو به خط فارسی- عربی دیده نمی‌شود یا به ندرت در برخی متون گویشی فارسی (ترجمه و تفسیرهای قرآنی) به کار رفته چنین است:

۱- استفاده از ساخت کهن مضارع التزامی فارسی میانه؛

۲- کاربرد قید *bē* (اما) (در قرآن قدس دیده می‌شود)؛

۳- کاربرد موصول و کسره اضافه *ī* (در قرآن قدس نیز دیده می‌شود)؛

۴- کاربرد ماده فعلی *h-* (سطر هشتم، *hyd*=هستید) (در قرآن قدس نیز دیده می‌شود)؛

۵- کاربرد حرف ربط *kū* (برای نمونه *kū* در سطر ۷ و ۹). نکته بسیار جالب این است که این حرف ربط گاهی جانشین موصول *kē* شده‌است و نشان از اختلاط این دو دارد، برای نمونه در

بند ۱۹ *(dw mrnd r' qw sr šmr 'y gwspnd myhtr bwdn)*؛

- ۶- کاربرد پسوند قیدساز $\bar{t}h\bar{a}$ ؛
 ۷- کاربرد حرف اضافه \bar{o} با املاي \bar{x} (توضیحات بیشتر در یادداشت ۱۵)؛
 ۸- کاربرد پسوند ماضی‌ساز $\bar{t}d$ - در برخی افعال مانند سطر ۲۹ $prystyd$ فرستید= فرستاد. این پسوند ماضی‌ساز در متون فارسی کهن نظیر بسیار دارد. این صورت مطابق با اصل فارسی میانه است (صادقی، ۱۳۵۷: ۸۱).

۷-۲ ویژگی‌های صرفی- نحوی همسان با فارسی نو

چند ویژگی فارسی نو که در متن دیده می‌شوند و متمایز از فارسی میانه هستند:

- ۱- فراموش شدن ارگتیو؛
 ۲- وجود حرف اضافه پیشین mar در کنار حرف پسین $r\bar{a}$ ؛
 ۳- کاربرد $yak\bar{e}$ یکی به جای yak یک.

۸- ویژگی‌های آوایی

مهم‌ترین نکته آوایی که در این متن به چشم می‌خورد چندگونه نویسی واژه‌هاست. (۵ ویژگی نخست فهرست) که خود بازتاب تلفظ چندگونه واژه‌ها نزد گویشوران بوده‌است و بیانگر دوره تحول زبان است:

- ۱- در سطر ۹ فعل $(yptwm)$ با a آغازین $\langle -aby/ady-\bar{a}fta \rangle$ و در سطر ۶ بدون a ($yptwm$) آمده‌است.
 ۲- حرف اضافه $abar$ در این متن با افتادن a آغازین دیده می‌شود: $'y\ br\ gws\ pnd\ *my\ htr'$ درحالی که در نامه دندان اویلیق ۱ به‌عنوان فعلی پیشوند $abar$ آمده‌است $abar\ x\bar{a}stum\bar{e}$.
 ۳- حرف اضافه $ab\bar{a}g$ در سطر ۳۲ با حفظ a آغازین: $p' sd\ mrnd$ و در سطر ۲۴ بدون a آغازین آمده‌است.
 ۴- تخفیف در تلفظ و نوشتار x^w (نک. پانوشتهای ۳ و ۱۴).
 ۵- تخفیف در تلفظ کسره اضافه \bar{a} فارسی میانه.
 ۶- افتادن a آغازین در واژه نیز $anyz > an\bar{i}-z$ (بسنجید با any در دندان اویلیق ۱ بند ۱۳).
 ۷- افتادن d پایانی در شناسه سوم شخص جمع در تمام شواهد به جز یک مورد در بند ۳۶.
 ۸- درحالی که همخوان g در پسوند نسبی‌ساز $\bar{t}g$ - حذف شده پسوند قیدساز $\bar{t}h\bar{a}$ - کاملاً حفظ شده‌است.
 ۹- $dn < nn$.

۱۰ - sb's d'ry: جایگزین شدن آوای b به جای p (نک. پاول، ۲۰۱۳: ۵۱).

۹- نشانه‌های خطی

از ویژگی‌های خطی که نشان‌دهنده کهن بودن این متن است تمایز نوشتاری میان آوای x و k است؛ در این نوشته به‌طور کلی مانند دندان اوپلیق ۱ نویسه 𐭪 که در حرف‌نویسی با k نشان داده می‌شود، برای نشان دادن آوای x خ و نویسه 𐭫 که در حرف‌نویسی با q نشان داده می‌شود، برای نشان دادن آوای k ک به کار رفته‌است (برای نمونه س. ۶. /Xutan/ kwtn و س. ۳. /kōdak/ qwdq) (ارساتی، ۲۰۱۹: ۶۱). درحالی‌که در متون دوره‌های بعد مانند متن حقوقی اهواز نویسه 𐭫 برای نشان دادن قاف به کار رفته‌است^(۱۲).

پی‌نوشت

۱. احتمالاً در میان یهودیان نیز به همین نام دندان اوپلیق شناخته می‌شده‌است؛ در سطر ۳۲ از نامه دندان اوپلیق ۱ دو نویسه آغازی dn [...] به جا مانده‌است که پژوهشگران دن[دندان اوپلیق] خوانده‌اند.
۲. برای خواندن یک ترجمه انگلیسی از این نوشته به (وایتز، ۲۰۰۶: ۳-۱۹) بنگرید.
۳. این اثر کاغذی اکنون در موزه بریتانیا به شماره Or. 8212 (۱۶۶) نگهداری می‌شود.
۴. در این ترجمه تلاش شده‌است تا آنجا که مطلب برای خواننده فارسی زبان نامفهوم نگردد پایبند به بازتاب نحو گونه زبانی درون نامه باشیم.
۵. Pywstn پیوستن، اگر مصدر در نظر بگیریم استفاده آن در اینجا توجیهی ندارد و خلاف قواعد زبان فارسی است. شاید فعل جمع سوم شخص باشد و an همان any (دیگر) باشد و کلا مفهومی چنین داشته باشد؛ چیکاشی و دیگران بدگویی کردند.
۶. واژه ناشناخته‌است به پیروی از پاول (۲۰۱۳) مرد ترجمه شد.
۷. در این مقاله هر جا سخن از خوانش ژان و شی است منظور (ژان و شی، ۲۰۰۹) و هر جا سخن از ترجمه ژان است منظور (ژان، ۲۰۱۶ الف) است. به دلیل تکرار زیاد این عبارت و طولانی نشدن مقاله از ارجاعات درون‌متنی خودداری شده‌است.
۸. نام 𐭪𐭫𐭮 در تفسیر حزقیال (T7 یا Ez-1) به شکل 𐭪𐭫𐭮، در تفسیر پیدایش (T10) به شکل 𐭪𐭫𐭮 و در تفسیر ارمیا (T16) به شکل 𐭪𐭫𐭮 آمده‌است.

۹. به نظر صادقی (۱۳۵۷: ۸۱) aš مفعول برای فعل کردن است اما پاول (۲۰۰۳: ۱۸۴) آن را ادامهٔ \bar{o} فارسی میانه می‌داند که بین فعل و ضمیر شخصی متصل آمده‌است (کاری که به آن فرمودی سخت انجام دهم).
۱۰. این ترجمه در فرهنگنامهٔ قرآنی با شمارهٔ ۱۰ مکرر مشخص شده‌است و به سبب آنکه در زمان فیش‌برداری شماره مسلسل نداشته در فرهنگنامه شمارهٔ ثبت کتابخانهٔ آستان قدس درج نشده‌است.
۱۱. برای توضیح بیشتر و آگاهی از نظر هنینگ دربارهٔ این ساخت نک. نوشتهٔ «دشمنایگی» از مجتبی مینوی.
۱۲. نک. لازار، ۱۳۹۳: ۴۰.

منابع

کتاب مقدس

- انوری، ح. ۱۳۸۲. فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن.
- بهار، م. ۱۳۹۱. سبک‌شناسی، تهران: امیرکبیر.
- دهخدا، ع. ۱۳۷۷. لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی باغ بیدی، ح. ۱۳۸۵. «کهن‌ترین متون فارسی به خطوط غیرعربی (عبری، سریانی و مانوی)»، نامهٔ فرهنگستان، ۸ (۳۰): ۹-۳۱.
- صادقی، ع. ۱۳۵۷. تکوین زبان فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد ایران.
- غنی، ن. ۱۳۸۸. بررسی چند متن کهن فارسی - یهودی، تهران: دانش ایران.
- قریب، ب. ۱۳۷۴. فرهنگ سغدی (سغدی-فارسی-انگلیسی)، تهران: فرهنگان.
- گیندین، ت. ۱۳۹۷. «مقدمه‌ای بر فارسی یهودی»، در فارسی‌یهود، تدوین ن پیرنظر، ۴۵-۶۰. تهران: پردیس دانش.
- لازار، ژ. ۱۳۹۳. شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه م بحرینی، تهران: هرمس.
- مکنزی، د ن. ۱۳۸۸. فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمهٔ م میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نوروزی، ح. ۱۳۹۱. «ریشه‌شناسی چند لغت در ترجمه‌ای از عهد عتیق». زبان‌شناخت، ۳ (۶): ۱۲۱-۱۵۳.
- یاحقی، م، [تدوین]. ۱۳۸۹. فرهنگنامه قرآنی، جلد ۴. مشهد: آستان قدس رضوی.
- Bailey, Harold Walter. 1979. *Dictionary of Khotan Saka*. Cambridge University Press.

- Bartholomae, Christian. 1979. *Altiranisches Wörterbuch*. Walter de Gruyter.
- Bo, Bi, and Nicholas Sims-Williams. 2010. "Sogdian Documents from Khotan, I: Four Economic Documents." *Journal of the American Oriental Society* 130 (4): 497-508.
- Borjian, Habib. 2015. "Judeo-Iranian Languages." In *Handbook of Jewish Languages*, edited by Lily Kahn and Aaron D. Rubin, 234-296. Brill Academic Publishers.
- Boyce, Mary. 1975. *A Reader in Manichaean Middle Persian, and Parthian: Texts with Notes*. Bibliothèque Pahlavi.
- Cheung, Johnny. 2007. *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*. Brill.
- Durkin-Meisterernst, Desmond. 2004. *A Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*. Brepols.
- Gignoux, Philippe. 1972. *Glossaire des Inscriptions Pehlevies et Parthes*. Vol. I (Corpus Inscriptionum Iranicarum. Supplementary Series). Lund Humphries.
- Gignoux, Philippe. 1986. *Noms propres sassanides en moyen-perse épigraphique*. Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Haim, Ofir. 2012. "An Early Judeo-Persian Letter sent from Ghazna to Bāmiyān (Ms. Heb. 4°8333.29)." *Bulletin of the Asia Institute* 26 : 103-119.
- Hansen, Valerie. 2012. *The Silk Road: A New History*. Oxford University Press.
- Henning, Walter Bruno. 1957. "The Inscriptions of Tang-i Azao." *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 20 (1/3): 335-342.
- Jastrow, Marcus. 1903. *A Dictionary of the Targumim, the Talmud Bavli and Yerushalmi, and the Midrashic Literature*. Luzac.
- Kent, Roland Grubb. 1950. *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*. American Oriental Society.
- Koehler, Ludwig, Walter Baumgartner, and Johann Jakob Stamm, . 2000. *Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament (HALOT)*. Vol. V (Aramaic + Supplementary Bibliography). Brill.
- Leslie, Donald D. 2010. <http://www.iranicaonline.org/articles/kaifeng>. December 15. <http://www.iranicaonline.org/articles/kaifeng>.
- Lurje, Pavel B. 2010. *Personal Names in Sogdian Texts*. ÖAW.
- Margoliouth, David Samuel. 1981. "The Judaeo-Persian document from Dandān-Uiliq." In *Ancient Khotan*, by Aurel Stein, 570-574.
- Moriyasu, Takao. 2004. *Die Geschichte des uigurischen Manichäismus an der Seidenstrasse: Forschungen zu manichäischen Quellen und ihrem geschichtlichen Hintergrund*. Translated by Christian Steineck. Otto Harrassowitz Verlag.
- Müller, Friedrich Wilhelm Karl. 1912. *Ein doppelblatt aus einem manichäischen Hymnenbuch (Mahrnâmag)*. Abhandlungen der Königlich Preussischen Akademie der Wissenschaften.

- Orsatti, Paola. 2019. "Persian Language in Arabic Script: The Formation of the Orthographic Standard and the Different Graphic Traditions of Iran in the First Centuries of the Islamic Era." In *Creating Standards: Interactions with Arabic script in 12 manuscript cultures*, edited by Dmitry Bondarev, Alessandro Gori and Lameen Souag, 39-72. (Eds.), (pp. De Gruyter.
- Paul, Ludwig. 2003. "Early Judaeo-Persian in a Historical Perspective The case of the prepositions be, u, pa(d), and the suffix rā." In *Persian origins, Early Judaeo-Persian and Emergence of New Persian, Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999*, edited by Ludwig Paul, 177-194. Harrassowitz.
- Paul, Ludwig. 2003. 2013. *A grammar of early Judaeo-Persian*. Reichert Verlag.
- Porten, Bezalel, and Ada Yardeni. 1989. *Textbook of Aramaic Documents from Ancient Egypt*. Vol. II. IV vols. The Hebrew University.
- Proverbio, Delio Vania. 2017. "On the phonetic unpredictability denoted by some Old Turkic texts written in Syriac script. Or the encoding ambiguity intrinsic to the Aramaic writing." *Turkic Languages* (Harrassowitz) 21 (1): 115-151.
- Qing, Duan, and Helen Wang. 2013. "Were Textiles used as Money in Khotan in the Seventh and Eighth Centuries?" *Journal of the Royal Asiatic Society* 23 (2): 307-325.
- Rault, Lucie. 2018. *L'Hymnaire manichéen chinois Xiabuzan 下部讚 à l'usage des Auditeurs un manuscrit trouvé à Dunhuang, traduit, commenté et annoté (NHMS 94)*. Brill.
- Robinson, James T. 2015. *The Arabic Translation and Commentary of Yefet ben 'Eli the Karaite on the Book of Joshua*. Brill.
- Shaked, Shaul. 2009. "Classification of Linguistic Features in Early Judeo-Persian Texts." In *Exegisti Monumenta: Festschrift in Honour of Nicholas Sims-Williams*, edited by Werner Sundermann, Almut Hintze and François de Blois, 449-461. Harrassowitz.
- Shapira, Dan. 2004. "Manichaeans (Marmanaiia), Zoroastrians (Iazuqaiia), Jews, Christians and Other Heretics: A Study in the Redaction of Mandaic Texts." *Le Muséon* 117 (3-4): 243-280.
- Sims-Williams, Nicholas. 1981. "The Sogdian Fragments of Leningrad." *BSOAS* 44: 231-240.
- Sims-Williams, Nicholas. 1996. "From Babylon to China. Astrological and Epistolary Formulae across Two Millennia." In *La Persia e l'Asia centrale da Alessandro al X secolo. Atti dei convegni lincei 127*, 77-84. Accademia Nazionale dei Lincei.
- Sims-Williams, Nicholas, and James Russell Hamilton. 1990. *Documents Turco-Sogdiens du IX^e-X^e Siecle de Touen-houang*. School of Oriental and African Studies.

- Skjærvø, Prods Oktor. 2002. *Khotanese manuscripts from Chinese Turkestan in the British Library : a complete catalogue with texts and translations*. British Library.
- Tafazzolī, Aḥmad. 1995. "Iranian Proper Names in the Kitāb al-Qand fī ḍikr 'Ulamā' Samarqand, 1, Sogdian Proper Names." *Nāme-ye Farhangestān* I (3): 4-12.
- Tavernier, Jan. 2007. *Iranica in the Achaemenid Period (ca. 550-330 B.C.): Lexicon of Old Iranian Proper Names and Loanwords, Attested in Non-Iranian Texts*. Peeters.
- Utas, Bo. 1968. "The Jewish-Persian Fragment from Dandān-Uiliq." *Orientalia Suecana* 17: 123-136.
- Weber, Dieter. 2004. "Minuscule Pahlavica (Pahlavi Notes)." (Bulletin of the Asia Institute) 18: 135-142.
- Weisz, Tiberiu. 2006. *The Kaifeng Stone Inscriptions: The Legacy of the Jewish Community in Ancient China*. iUniverse.
- Wexler, Paul. 2006. *Jewish and Non-Jewish creators of "Jewish" languages : with special attention to Judaized Arabic, Chinese, German, Greek, Persian, Portuguese, Slavic (modern Hebrew/Yiddish), Spanish, and Karaite, and Semitic Hebrew/Ladino*. Harrassowitz.
- Wong, Fook-Kong, and Dalia Yasharpour. 2011. *The Haggadah of the Kaifeng Jews of China*. Brill.
- Xin, Xu. 2010. "Tracing Judaism in China." *Social Sciences in China* 31 (1): 130-161.
- Zhang, Zhan. 2016a. *Between China and Tibet: A Documentary History of Khotan in the Late Eighth and Early Ninth Century*. Harvard University (Doctoral dissertation).
- Zhang, Zhan. 2016b. "The Silk Road: A New History with Documents." In *The Silk Road: A New History with Documents*, edited by Valerie Hansen, 381-382. Oxford University Press.
- Залеман, Карл Германович. 1905. "По поводу еврейско-персидского отрывка из Хотана." *Записки Восточного Отделения Императорского Русского Археологического Общества. Том шестнадцатый* (Типография Императорской Академии Наук) 46-57.
- Лившиц, Владимир Аронович. 2011. "Личные имена в хорезмийском языке." *Вестник древней истории* 4 (279): 156-166.
- Лившиц, Владимир Аронович. 1962. *Согдийские документы с горы Муг. Чтение, перевод, комментарий. Выпуск II (Юридические документы и письма). Чтение, перевод и комментарии*. Издательство восточной литературы.

- Расторгуева, Вера Сергеевна, and Джой Иосифовна Эдельман. 2007. *Этимологический словарь иранских языков*. Vols. 3: f-h. Восточная литература.
- 吉田, 豊. 2017. "ユータンのユダヤ・ソグド商人?." Edited by 氣賀澤保規 and 土肥義和. *敦煌・吐魯番文書の世界とその時代* 3: 263-285.
- 吉田, 豊. 1994. "ソグド文字で表記された漢字音." *東方學報* 66: 271-380.
- 张湛, and 时光. 2009. "一件新发现犹太波斯语信札的断代与释读." *敦煌吐魯番研究* (上海古籍出版社) 9: 71-100.
- 松井太, and 白玉冬. 2017. "英国图书馆藏“蕃汉语词对译”残片(Or.12380/3948)再考." *敦煌研究* 3: 60-65.

The Judeo-Persian letter of Dandān-Uiliq II

Nima Asefi¹ *
Ibrāhīm Šafī'ī²

Received: 2020/04/23

Accepted: 2020/11/18

Abstract

This paper deals with a Judeo-Persian letter named Dandān-Uiliq II (henceforth DU II); which probably dates back to 9th century C.E. In addition to its content, DU II has some important linguistic features, often absent in Persian texts written in Arabic script. Among them the use of “kū” as a preposition and the ancient subjunctive mood can be mentioned. The present paper will present a translation of the letter in addition to a discussion of its ancient linguistic features with comparison to the Early New Persian texts (in Perso-Arabic script) and certain early Quran translations into Persian (especially Qur'an-e Quds). The linguistic features of this early Judeo-Persian letter will represent a definite stage where the language is changing from Middle Persian to New Persian (Dari). Since the evidences related to this stage is relatively rare in the extant texts of Persian, this letter can undoubtedly be used for a more understanding of the period of Persian language evolution. The given translation is not the same as the previous English and Chinese translations and reflects our understanding of its syntax and morphology.

Keywords: Judeo-Persian, Middle Persian, New Persian, Dandān-Uiliq

1. Introduction

Iranian Jewish communities have not settled only in the borders of Iran today, but in neighboring countries. Their works, including unwritten as well as written materials, are not only the best heritages of their presence but also the mirror of Iranian culture, language and daily matters. Their

1. Ph.D. student of Ancient Iranian languages and culture, Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

* Email: nima.asefi.y@gmail.com

2. Ph.D. student of Ancient Iranian languages and culture, University of Tehran, Iran.

value in a time when the works and materials reflecting the Iranian culture are not so numerous, and especially regarding the language, when most of the works are written in Arabic or at least in an official form of the Persian not reflecting the local changes as well as the process of transmission of the Middle Persian to the Early New Persian becomes more understandable. In such an environment and in a multicultural district like the Taklamakan, two Judeo-Persian letters written by ink on the papers have been found till now. In addition to their information about the district in the 8th-9th century C.E., the letters show a kind of local dialect which in companion with other few documents from this period, can give the researchers of the Persian language, some samples showing how the Middle Persian have been transmitted to the Early New Persian.

In Dandān-Uiliq, the writer after greetings, starts to count the gifts and the materials he has sent or has given to some officials there. In the last part, he advises that they should behave in a friendly manner towards the daughter of Dihqan and also gives some reports on the war and peace in Kashgar with Tibetans. The letter is not complete and the end part has missed.

2. Theoretical Framework

The theoretical framework of the present paper is based on the common method of the Judeo-Persian studies and Persian language and literature as well as the historical linguistics.

3. Methodology

In this paper, by discussing the previous works on DU II as well as other EJP related texts, the authors tried to find all the available researches, and then by processing the information, emended previous researches and in some cases, they have strengthened and expanded such information. It's noteworthy that everywhere they have found some ambiguities, did their best to make them clear.

4. Results & Discussion

The Judeo-Persian letter of DU II represents some important linguistic features, often in the absence of Persian texts written in Arabic script, e.g. the use of *kū* as a preposition and the ancient subjunctive mood. The letter has been translated in this paper and its ancient linguistic features have been discussed with comparison to the Early New Persian texts (in Perso-Arabic script) and some early Qur'an translations into Persian (especially

Qur'an-e Quds). These features represent language transmission from Middle Persian to New Persian (Dari). The given translation is not the same as the previous English and Chinese translations and reflects our understanding of its syntax and morphology.

5. Conclusions & Suggestions

The Judeo-Persian letter of DU II which is written approximately in the 9th century in the oasis of Dandān-Uiliq is the second letter of its kind and shows the historical, cultural, financial as well as the political and linguistic environment of the district at the time. From a linguistic point of view, the letter asserts the previous findings, however, it portrays some new features as well.

Select Bibliography

- Boyce, Mary. 1975. *A Reader in Manichaean Middle Persian, and Parthian: Texts with Notes*. Bibliothèque Pahlavi.
- Dehxodā, A. 1998. *Loqat Nāme*. Tehrān: Dānešgāh-e Tehrān. [In Persian].
- Durkin-Meisterernst, Desmond. 2004. *A Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*. Brepols.
- Lazar, Ž. 2014. *Šeklgiri-ye zabān-e Fārsi*. (M. Bahreyni, Motarjem), Tehrān: našr-e Hermes. [In Persian]
- Lurje, Pavel B. 2010. *Personal Names in Sogdian Texts*. ÖAW.
- Paul, Ludwig. 2003. "Early Judaeo-Persian in a Historical Perspective The case of the prepositions be, u, pa(d), and the suffix rā." In *Persian origins, Early Judaeo-Persian and Emergence of New Persian, Collected Papers of the Symposium, Göttingen 1999*, edited by Ludwig Paul, 177-194. Harrassowitz.
- Paul, Ludwig. 2013. *A grammar of early Judaeo-Persian*. Reichert Verlag.
- Utas, Bo. 1968. "The Jewish-Persian Fragment from Dandān-Uiliq." *Orientalia Suecana* 17: 123-136.
- Zhang, Zhan. 2016a. *Between China and Tibet: A Documentary History of Khotan in the Late Eighth and Early Ninth Century*. Harvard University (Doctoral dissertation).
- Zhang, Zhan. 2016b. "The Silk Road: A New History with Documents." In *The Silk Road: A New History with Documents*, edited by Valerie Hansen, 381-382. Oxford University Press.